

عنوان مقاله:

تحلیل عناصر دینی نظریه سعادت و تبیین نقش آنها از نظر ابن سینا و توماس آکوئیناس

محل انتشار:

دوفصلنامه حکمت سینوی (مشکوه النور)، دوره 26، شماره 67 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

نویسندگان:

علی حسینی - دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

سید حسین سید موسوی - استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

جهانگیر مسعودی - استاد فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

خلاصه مقاله:

مسئله سعادت انسان از دیرباز، مورد توجه متفکران بوده و ارسطو از نخستین اندیشمندانی است که سعادت را محور نظام اخلاقی خویش قرار داده است. از نظر این فیلسوف، سعادت، غایت زندگی انسان محسوب می شود که در پی کسب فضایل اخلاقی و عقلانی در دنیا به دست می آید. ابنسینا و توماس آکوئیناس به عنوان دو فیلسوف شاخص مشائی در شرق و غرب، هرکدام، تفسیری خاص از نظریه سعادت بیان کرده اند. در این نوشتار، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، بررسی تطبیقی تفسیرهای عرضه شده از سوی این دو فیلسوف را به منظور کشف افتراقات و اشتراکات نظریاتشان انجام داده ایم. مباحث این دو متفکر، بیانگر آن است که هردوی آنان تفسیرهایشان از نظریه سعادت ارسطو را با تمسک به عنصر دینی خویش و با تکیه بر رویکردی عقلانی، در بستر تعالیم دینی به دست داده اند. ابن سینا در بعد عملی سعادت، در قالب تمسک به جنبه عملی شریعت اسلام، با بیان فضایل و رذایل دینی و التزام به آن ها، و توماس آکوئیناس در قالب قاعده فیض و لطف الهی با مطرح کردن ایده فضایل الهیاتی، موجب قرین سازی سعادت دنیوی ارسطو با سعادت دینی- اخروی شده اند. ابن سینا با رویکردی تکمیلی و با محور قراردادن سعادت عقلی، نقش شرع در سعادت را لازم و تکمیل کننده دانسته و توماس آکوئیناس نیز با رویکردی ترکیبی، علاوه بر سعادت عقلی ارسطویی، سعادت الهیاتی مبتنی بر ایمان مسیحی را لازم و نقش آن را تکمیل کننده به شمار آورده است.

کلمات کلیدی:

ارسطو، ابن سینا، توماس آکوئیناس، سعادت، فضیلت، اسلام، مسیحیت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1662973>

